



اگر
پزشکیان
نبود



پزشکیان

شهریور ۱۴۰۴
هفته دولت
ویژانه

تبیین کند. انتشار گزارش‌های منظم ماهانه، برگزاری جلسات مشورتی در استان‌ها، دعوت از منتقدان و نخبگان به گفت‌وگو، و ایجاد تریبون‌های آزاد مدیریتی، از جمله ابزارهایی هستند که می‌توانند پل میان حاکمیت و جامعه را محکم‌تر سازند.

زمانی که شهروندان احساس کنند دولت با آنها صادق است و اصلاحات در خدمت منافع بلندمدت آنان طراحی می‌شود، آمادگی پذیرش دشواری‌های دوره‌گذار و حتی مشارکت فعال در تحقق آن سیاست‌ها، به‌مراتب افزایش می‌یابد.

○ جمع‌بندی شما از عملکرد یک‌ساله دولت پزشکیان چیست؟

اگر بخواهم منصفانه داوری کنم، دولت پزشکیان در سال اول توانست کشور را از لغزیدن به ورطه بحران‌های زنجیره‌ای بازدارد. هرچند رشد اقتصادی قابل توجهی ثبت نشد و تورم کاملاً مهار نگردید، اما این واقعیت را باید در بستر فشارها و محدودیت‌های بی‌سابقه داخلی و خارجی نگریم. مهم‌تر از شاخص‌های کمی، بذرهایی است که در حوزه اصلاحات کاشته شده و قابلیت بالایی برای ثمردهی در سال‌های آینده دارد.

این دولت در آغاز، اقتصادی را تحویل گرفت که با ناترازی مزمن بودجه، بدهی‌های انباشته، زیرساخت‌های فرسوده و تحریم‌های مجدد روبه‌رو بود. با این حال، پس از یک سال، شاهد تثبیت نسبی بازار ارز، کنترل برخی از شوک‌ها، گام‌های اولیه در مسیر شفافیت بودجه‌ای، و آغاز جذب سرمایه‌گذاری در بخش انرژی هستیم. گرچه مسیر پیش‌رو دشوار و پرچالش است، اما جهت‌گیری مبتنی بر اصلاحات ساختاری، سرمایه‌ای ارزشمند برای آینده کشور محسوب می‌شود.

● روایت امید

این گفت‌وگو، مروری بود بر فرآز و فرود سال اول دولت چهاردهم، نقاط ضعف و چالش‌های آن، و اولویت‌هایی که اگر بموقع در دستور کار قرار گیرند، شاید بتواند کشتی اقتصاد ایران را از گرداب مشکلات به ساحل ثبات و شکوفایی برسانند. جعفر خیرخواهان، استاد اقتصاد توسعه و پژوهشگری که سال‌ها در حوزه راهبردهای کلان اقتصادی ایران قلم زده و تدریس کرده، از چهره‌هایی است که تحلیل‌هایش همواره بر تلفیق دقت آماری و عمق نظری استوار بوده است.

وی با تکیه بر تجربه‌ای طولانی در بررسی روندهای اقتصاد کلان، نه در دام داوری‌های شتاب‌زده می‌افتد و نه به سادگی گرفتار زبان شعار می‌شود. این گفت‌وگو روایت شفاف‌تری از مختصات میدان پرچالشی را ترسیم کرد که دولت مسعود پزشکیان در سال ۱۴۰۳، با میراثی سنگین و مجموعه‌ای از بحران‌های ممتد، ناگزیر به حضور در آن شد؛ و نیز نشان داد که چگونه با اتخاذ تدابیری برای مهار تهدیدات فوری، همزمان بذر اصلاحات ساختاری را کاشته است. ▶

می‌کند، بلکه می‌تواند انگیزه‌ها را از فعالیت‌های غیرمولد به سمت تولید و اشتغال‌زایی هدایت کند.

من به پشتیبانی هدفمند از رفاه خانوارها تأکید ویژه دارم. باید سیاست‌های تثبیت قدرت خرید، خصوصاً برای اقشار کم‌درآمد، با دقت علمی و هدفگذاری دقیق طراحی شوند تا به جای توزیع پراکنده و کم‌اثر منابع، برای ارتقای کیفیت زندگی و کاستن از شکاف رفاهی میان طبقات عمل کنند.

تقویت شفافیت در تمامی لایه‌های حاکمیت اقتصادی و مبارزه بی‌امان و بی‌مجامله با فساد، چه در سطوح بالا و چه در سطوح میانی و پایین، از الزامات مهم دیگر دولت است که باید همچنانکه در این یک سال اخیر اجرا کرده، ادامه دهد. به نظر هر تأخیر در این زمینه به کاهش سرمایه اجتماعی و ناکارآمدی سیاست‌ها می‌انجامد.

○ شما در آخرین جمله‌ای که مربوط به سؤال قبلی بود به سرمایه اجتماعی اشاره کردید، البته این مرام و نظریه اقتصاددانان توسعه‌گرا است که بر سرمایه اجتماعی برای پیشبرد اهداف کلان اقتصادی و اجتماعی تأکید دارند، اما آنچه استنباط کردم این است که شما مثل همکارانتان معتقدید در سال‌های اخیر سرمایه اجتماعی رو به ضعف گذاشته است و همین مانعی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی و حتی سیاسی است. اما مردم با وجود این به دولت پزشکیان رأی دادند، آیا سرمایه اجتماعی به این دولت برای تغییر اطمینان کرد و چگونه می‌توان سرمایه اجتماعی را به عنوان پشتیبان دولت توصیف کرد؟

قطعاً. دولت پزشکیان با شعارهای امیدبخش «برای ایران» و «صدای بی‌صدایان» روی کار آمد. من «ایجاد همگرایی ملی و هم‌افزایی ظرفیت‌های نهادی و مردمی» را همچون نخ تسبیچی می‌بینم که تمامی این سیاست‌ها را به یک منظومه منسجم بدل می‌کند، بدون بسیج همگان در حمایت از مسیر اصلاحات. اعم از دستگاه‌های اجرایی، نهادهای حاکمیتی، فعالان اقتصادی، تشکل‌های مدنی و خود مردم. هیچ برنامه بلندمدتی شانس موفقیت واقعی نخواهد داشت. چنین همگرایی نه به‌طور خودکار، بلکه از رهگذر شفافیت، صداقت و مشارکت جویی فعال دولت حاصل می‌شود؛ همان عناصری که دولت پزشکیان در سال اول کوشیده است در دستور کار خود جای دهد و باید در سال‌های پیش‌رو نیز با جدیت ادامه دهد.

○ نقش ارتباط مستقیم دولت با مردم را در پیشبرد اصلاحات چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ارتباط صریح، شفاف و مستمر با مردم، بنیان اعتماد عمومی است. در غیاب این اعتماد، حتی سیاست‌های درست اقتصادی نیز به سرمنزل مقصود نمی‌رسد. دولت باید نه تنها تصمیمات خود، بلکه چرایی و چگونگی آن را برای افکار عمومی به‌روشنی

